

سودمندی گزارشگری ارزش افزوده

نویسندگان: دکتر کامبیز فرقاندوست حقیقی*

بهمن بنی مهد**

چکیده

تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری اولین هدف گزارشگری مالی را ارائه اطلاعات سودمند جهت تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌دانند. عده‌ای بر این اعتقادند که این هدف بسیار محدود است، چرا که هدف‌های اجتماعی گسترده‌تر را نادیده می‌گیرد و عده‌ای نیز آن را به نحو ناعادلانه‌ای به نفع گروه خاصی از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌دانند. از اینرو در شرایط کنونی، اطلاعاتی که گزارشگری مالی به‌عنوان یک سیستم اطلاع‌رسانی ارائه می‌دهد به اطلاعاتی در زمینه سود و یا جریان‌های نقدی که عمدتاً بازده و مورد نظر سرمایه‌گذاران است محدود می‌گردد و سیستم مزبور درآمد و بازده سایر گروه‌هایی که در فعالیت واحد تجاری ذینفع هستند را به‌طور مشخص افشا نمی‌کند. اما معیاری که به‌وسیله آن بازده سایر گروه‌ها اندازه‌گیری می‌شود، ارزش افزوده است، معیار مزبور از طریق «صورت ارزش افزوده» که می‌توان آن را به‌عنوان یک صورت مالی در نظر گرفت، اندازه‌گیری و افشا می‌شود. مقاله حاضر ضمن بیان مفاهیم ارزش و ارزش افزوده، تاریخچه ارزش افزوده در گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه سودمندی گزارشگری ارزش افزوده را ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مفهوم ارزش، ارزش افزوده، سودمندی گزارشگری ارزش افزوده

*- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

** - دانشجوی دوره دکتری حسابداری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

عنوان سود به سهامداران، بهره به بستانکاران، حقوق به کارکنان، مالیات به دولت، استهلاک و سود تقسیم نشده به واحد تجاری تعلق می‌گیرد. یکی از صورتحساب‌هایی که در این تئوری باید به‌عنوان مکمل صورتهای مالی در نظر گرفته شود، صورت ارزش افزوده است. صورت مزبور عملکرد شرکت را از طریق محاسبه ارزش افزوده و سپس توزیع آن بین اشخاص ذیربط بر مبنای فرض تعهدی نشان می‌دهد.

مفهوم ارزش

واژه ارزش در مورد کالاها و خدمات عمدتاً به دو معنای متفاوت یعنی ارزش مصرفی و ارزش اقتصادی به کار می‌رود. ارزش هر کالا ترکیبی از ارزش مصرفی و ارزش اقتصادی آن است. ارزش مصرفی، بازتاب سودمندی و لذت و مطلوبیت روانی افراد از مصرف کالاها را نشان می‌دهد. ارزش اقتصادی هر کالا همان ارزش مبادله‌ای است که در بازار تعیین و به کمک قیمت‌ها اعلام می‌گردد، به عبارت دیگر قیمت‌ها درجه ارزش هر کالایی را نشان می‌دهند^(۱).

نظریه‌های مختلفی درباره حقوق صاحبان سرمایه و سایر افراد ذینفع در فعالیت واحد تجاری وجود دارد^۱، دو نظریه عمده در این ارتباط، نظریه مالکیت و نظریه شخصیت حقوقی است. اما نظریه بنگاه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان نظریه سوم به آنها اضافه نمود.

در نظریه مالکیت، حسابداری زاده مفهوم مالکیت است. این دیدگاه صاحبان واحد تجاری را مخاطب گزارشگری مالی می‌داند و عقیده دارد که سیستم اطلاعاتی حسابداری تنها باید در جهت تأمین نیازهای اطلاعاتی مالکان واحد تجاری گام بردارد. اما با توسعه شرکت‌ها و جدایی مدیریت از مالکیت، تئوری دیگری به‌نام تئوری شخصیت حقوقی پدید آمد. براساس نظریه مذکور هدف‌های گزارشگری مالی، در جهت تأمین نیازهای اطلاعاتی دو گروه صاحبان سرمایه و بستانکاران قرار می‌گیرد. اما تئوری بنگاه اجتماعی مفهومی گسترده‌تر از مفاهیم دو تئوری فوق دارد، در این دیدگاه به واحد تجاری، به‌عنوان یک بنگاه اجتماعی نگریسته می‌شود که جهت ایجاد درآمد برای اشخاص ذینفع از جمله سهامداران، بستانکاران، کارکنان و دولت تأسیس شده است و بر این اساس هدف حسابداری باید در جهت تأمین نیازهای اطلاعاتی کل جامعه باشد. به نظر می‌رسد در سایه تئوری اخیر مناسب‌ترین مفهوم درآمد، جمع ارزش افزوده‌ای است که تحت

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله «بررسی دیدگاه‌های تئوریک حقوق صاحبان» نوشته شعله شاهین و مستانه رضایی، مجله حسابدار شماره ۱۱۴ تیرماه ۱۳۷۵

منشأ ارزش

تولید می‌تواند منشأ ارزش باشد و آن نیز متأثر از عوامل زیر می‌باشد:

۱- نیروی کار، اعم از نیروی بدنی و یا نیروی فکری کارگران، مدیران و کارشناسان.

۲- سرمایه، که امکانات و ابزار لازم سرمایه‌ای جهت فراهم کردن زمینه‌های فعالیت و بهره‌گیری به موقع از فرصت‌های اقتصادی است.

۳- مدیریت و تکنولوژی، که نقش مؤثری در کیفیت تولیدات و کاهش هزینه‌ها را به عهده دارد.

۴- زمین و معادن و منابع طبیعی و مواد خام آن.

بنابراین می‌توان گفت که ارزش کالاها و خدمات از ترکیبی از عوامل فوق تشکیل شده است. اگر چه تولید منشأ ارزش است اما این مبادله است که ارزش را محقق می‌سازد، ماهیت تولیدی ارزش عبارت است از هزینه‌های تولیدی و هزینه‌های استهلاک عوامل تولید که به منظور خلق و تولید یک کالا و یا خدمت به کار رفته‌اند. اگر این کالاها و خدمات نه به مصرف صاحبان آن برسند و نه مبادله شوند، در آن صورت ارزشی ایجاد نمی‌شود، در غیر این صورت استهلاک و هزینه‌های تولیدی اتلاف منابع می‌باشد. بنابراین با مصرف کالاها و خدمات و یا فروش آنها می‌توان ارزش ایجاد شده در آنها را اندازه‌گیری نمود^(۱).

مفهوم ارزش افزوده و گزارشگری آن

در یک بنگاه اقتصادی، ارزش افزوده

مقدار باقی مانده از بازدهی است که با بهره‌گیری از ظرفیت تولیدی مثل کار و سرمایه، به وجود آمده است. ارزش افزوده سهم بنگاه اقتصادی را نسبت به تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد و توانایی بنگاه در افزایش ارزش کالاها و خدمات تولید شده را بیان می‌نماید. صورت ریاضی ارزش افزوده را می‌توان به شکل زیر و به وسیله جابه‌جایی ارقام صورت سود و زیان نشان داد.

$$R = S - B - W - I - DP - DIV - T \quad (۱)$$

$$S - B = W + I + DP + DIV + T + R \quad (۲)$$

یا

$$S - B - DP = W + I + DIV + T + R \quad (۳)$$

که در آن:

R = سود تخصیص نیافته دوره

S = درآمد حاصل از فروش

B = مواد و خدمات خریداری شده از خارج از بنگاه

W = دستمزد

I = بهره

DP = استهلاک

DIV = سود سهام

T = مالیات

معادله (۲) بیانگر ارزش افزوده ناخالص و معادله

(۳) نشان دهنده ارزش افزوده خالص است. در هر

دو معادله، سمت چپ (سمت تفریق) نمایانگر

روش محاسبه غیرمستقیم و سمت راست (سمت

جمع) نشان دهنده روش محاسبه مستقیم ارزش

افزوده است.

به دلیل تغییرات محیط سیاسی انگلستان یعنی پیروزی حزب کارگر در انتخابات و نفوذ اتحادیه‌های کارگری در دولت وقت، گزارشگری سود که تا آن زمان مورد حمایت بود، کمرنگ شد و ایده جدیدی در حرفه حسابداری انگلستان پدید آمد. بر اساس تفکر جدید درآمد تنها متعلق به سهامداران نیست بلکه به گروه‌های دیگری مانند کارکنان، دولت و تأمین کنندگان مالی نیز تعلق دارد. براین اساس، در سال ۱۹۷۵ کمیته تدوین استانداردهای حسابداری انگلستان با انتشار Corporate Report ارائه صورت ارزش افزوده توسط شرکت‌ها را همراه با سایر گزارش‌های سالانه پیشنهاد نمود. در انگلستان صورت ارزش افزوده در آغاز با اشتیاق فراوان پذیرفته شد و طبق بررسی انجمن حسابداران خبره انگلستان شرکت‌های ارائه دهنده صورت ارزش افزوده از ۴/۷ درصد در سال ۷۶-۱۹۷۵ به ۳۰ درصد در سال ۸۰-۱۹۷۹ افزایش یافت.

اما بعد از پیروزی حزب محافظه کار (طرفدار فلسفه سرمایه‌داری) در انتخابات نخست‌وزیری سیال ۱۹۷۹ انگلستان تعداد شرکت‌های ارائه دهنده صورت ارزش افزوده در این کشور به شدت کاهش یافت و بدین ترتیب به نظر می‌رسد که نزدیک به دو دهه سلطه حزب محافظه کار در زمام امور انگلستان، صورت ارزش افزوده را در این کشور به پدیده‌ای فراموش شده

روابط فوق، ویژگی‌های مفهوم ارزش افزوده را نشان می‌دهند، یعنی ارزش افزوده از یک طرف بنگاه اقتصادی را از جنبه عملکرد و از طرف دیگر اشخاص ذینفع در فعالیت بنگاه اقتصادی را، از جنبه اجتماعی در قانون توجه خود دارد. جنبه عملکرد با روش غیرمستقیم و جنبه اجتماعی با روش مستقیم بیان می‌شود. روش مستقیم سهم عوامل تولیدی کار و سرمایه و نیز سهم جامعه را به وسیله سهم بخش عمومی (دولت) نشان می‌دهد. با توجه به روابط فوق مشخص است که ارائه محاسبات ارزش افزوده در یک صورت مالی شامل دو قسمت (محاسبه مستقیم و محاسبه غیرمستقیم) و محتوای اطلاعاتی آن به تعریف پارامترهای محاسبات و افشای عناصر خاص و عام آن پارامترها بستگی دارد (۳) و (۴).

تاریخچه ارزش افزوده در گزارشگری مالی

استفاده از مفهوم ارزش افزوده در اقتصاد بیش از دو قرن قدمت دارد اما اهمیت آن در دهه ۱۹۲۰ میلادی بیشتر آشکار گردید. به طور نمونه در آلمان max lehman سودمندی معیار ارزش افزوده را در کنترل و گزارش فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی، مورد بررسی قرار داده است. اما استفاده از مفهوم ارزش افزوده در حسابداری اولین بار توسط Soujanen در سال ۱۹۵۴ در مجله Accounting Review پیشنهاد گردید. ۲۰ سال بعد در دهه ۱۹۷۰،

تبدیل کرده است^(۵).

علی‌رغم عدم تمایل انتشار صورت ارزش افزوده در محافل دانشگاهی و حرفه‌ای حسابداری انگلستان، استفاده از صورت ارزش افزوده در سایر کشورها رواج پیدا کرد. انتشار رهنمود پیشنهادی تحت عنوان Green Paper در استرالیا در سال ۱۹۸۳، انتشار بیانیه پیشنهادی رویه عمل حسابداری شماره ۳ (RAP۳) توسط انجمن حسابداران خیره سنگاپور در سال ۱۹۸۴ و انتشار رهنمود پیشنهادی کمیته استانداردهای حسابداری هلند در سال ۱۹۹۰ از علاقه‌مندی سایر نقاط جهان به انتشار صورت ارزش افزوده خبر می‌دهد. شرکت‌های ژاپنی در حسابداری مدیریت و شرکت‌های سنگاپوری در هر دو زمینه حسابداری مالی و حسابداری مدیریت از مفهوم ارزش افزوده استفاده می‌نمایند^(۴).

در آفریقای جنوبی تهیه صورت ارزش افزوده توسط شرکت‌ها نسبت به سایر کشورها، از استقبال بیشتری برخوردار بوده است. طبق بررسی انجمن حسابداران خبره آفریقای جنوبی تعداد شرکت‌هایی که صورت ارزش افزوده را تهیه می‌کنند از ۶ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۸۶ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است^(۶). در آلمان و فرانسه نیز مفهوم ارزش افزوده در سه سطح حسابداری ملی، حسابداری مالی و حسابداری مدیریت مورد بررسی قرار گرفته و یا استفاده می‌شود. اما آنچنانکه صورت ارزش افزوده برای

شرکت‌های اروپایی شناخته شده است، برای شرکت‌های آمریکایی نسبتاً ناشناخته مانده است، ولی این موضوع برای دانشگاهیان آمریکایی موضوعی شناخته شده می‌باشد و تحقیقاتی نیز در این زمینه در دانشگاه‌های آمریکا انجام شده است. در سال ۱۹۹۲، انجمن حسابداری آمریکا و در سال ۱۹۹۷ کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری سودمندی اطلاعات صورت ارزش افزوده را مورد تأیید قرار داده‌اند. اما علی‌رغم سودمند شناخته شدن معیار ارزش افزوده، هنوز در هیچ کشوری (به غیر از فرانسه و کشورهای فرانسه زبان) استاندارد غیر از اهداف حسابداری مالی و حسابداری مدیریت باشد، تهیه نگردیده است و شرکت‌ها به‌طور داوطلبانه صورت ارزش افزوده را ارائه می‌دهند^(۴).

۱- سودمندی گزارشگری ارزش افزوده: تحقیقات

توصیفی

تحقیقاتی در زمینه مزایا و محدودیت‌های گزارشگری ارزش افزوده انجام شده است. این تحقیقات براساس مقایسه بین صورت ارزش افزوده و مدل‌های گزارشگری سنتی که شامل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت گردش وجوه نقد می‌باشد، انجام شده و نقاط قوت و ضعف هر یک بررسی گردیده است. ذیلاً برخی از مزایا و محدودیت‌هایی که در اینگونه تحقیقات عنوان شده است از نظر می‌گذرد.

برخی از مزایای مهم گزارشگری ارزش افزوده

به قرار زیر است:

الف) سازماندهی محیط کار: گزارشگری ارزش افزوده، با ارائه سهم نیروی کار در نتایج نهایی شرکت، محیط سازمانی مناسبی برای نیروی کار فراهم می‌آورد. (Mcleay ۱۹۸۳، Egginton ۱۹۸۴، Mc Sweeney ۱۹۸۵)

ب) اندازه‌گیری پاداش بهره‌وری: گزارشگری ارزش افزوده روش علمی تری جهت انعکاس پاداش افزایش بهره‌وری فراهم می‌کند و آن را به تغییرات در مبالغ ارزش افزوده مربوط می‌سازد. (۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ Morley)

ج) توانایی پیش‌بینی و تشریح: نسبت‌های مبتنی بر ارزش افزوده می‌توانند برای توضیح و یا پیش‌بینی رویدادهای با اهمیت اقتصادی شرکت سودمند باشند. (Sinha ۱۹۸۳، Cox ۱۹۸۷، Morley ۱۹۷۹)

د) اندازه‌گیری درآمد ملی: گزارشگری ارزش افزوده با مفاهیم بکار رفته در محاسبه درآمد ملی همسو است و رابطه‌ای مفید با اطلاعات اقتصاد کلان و تکنیک‌های استفاده شده به وسیله اقتصاددانان ایجاد می‌کند (Maunder ۱۹۸۵)

ه) قرینه و نماینده اندازه و بزرگی شرکت: در مقابل ارقام فروش و سرمایه، ارزش افزوده می‌تواند معیار مناسب تری درباره اندازه و بزرگی شرکت باشد. (Morley ۱۹۸۱)

و) مذاکرات کارگری: گزارشگری ارزش افزوده ممکن است نسبت به صورت‌های مالی سنتی برای گروه کارکنان جهت تعیین نرخ دستمزدها سودمندتر باشد. (Maunder ۱۹۸۵)

ز) پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاران: گزارشگری ارزش افزوده برای سرمایه‌گذاران، به‌عنوان یک ابزار، برای پیش‌بینی سودآوری، بازده مورد انتظار و ریسک‌های مربوط به اوراق بهادار مفید است. (Maunder ۱۹۸۵)

ح) معیاری برای توسعه اقتصادی: ارائه صورت ارزش افزوده شرکت‌های تابعه در گزارشات سالانه شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای میزبان، می‌تواند اطلاعاتی را برای تحلیل سهم این شرکت‌ها در فرآیند توسعه اقتصادی این کشورها فراهم آورد. (Rahman ۱۹۹۰)

ط) اندازه‌گیری عملکرد: ارزش افزوده خالص در تحلیل عملکرد مدیریت، شاخص بهتری نسبت به سود خالص ارائه می‌دهد، به‌ویژه آنکه در مواردی استفاده از روش‌های سلیقه‌ای و دلخواه حسابداری، زیان حسابداری را به‌جای سود حسابداری شناسایی می‌کنند (Sinha ۱۹۸۳)

ی) شاخص بهتر: نسبت‌های مبتنی بر ارزش افزوده ممکن است شاخص عملکرد بهتری برای اندازه‌گیری کارایی مدیریت (Ball ۱۹۶۸) و ترکیب عمودی فراهم نمایند. (Morley ۱۹۷۸)

همچنین برخی از محدودیت‌های گزارشگری ارزش افزوده به شرح زیر هستند:

۱- مفروضات غلط: ارزش افزوده، براساس مفروضات نادرستی بنا نهاده شده که عبارتند از الف) یک شرکت را متشکل از گروهی می‌داند که با یکدیگر همکاری می‌نمایند ب) دولت را یک گروه ذیحق می‌داند. ج) فرض می‌نماید که همه

۲- سودمندی گزارشگری ارزش افزوده: تحقیقات تجربی

در تحقیقات تجربی، که علاوه بر سودمندی افشای اطلاعات سود و گردش وجوه نقد، سودمندی افشای اطلاعات ارزش افزوده را ارزیابی می‌کنند، به سه جنبه توجه گردیده است:

(۱) عملکرد مبتنی بر ارزش افزوده شرکت‌ها در زمینه‌های مختلف (۲) محتوی اطلاعاتی اطلاعات ارزش افزوده در ارزیابی بازار (۳) توانایی پیش‌بینی با استفاده از اطلاعات ارزش افزوده، در زیر جنبه‌های مختلف هر تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲) ارزش افزوده عملکرد شرکت

ارزش افزوده عملکرد شرکت، از جوانب مختلفی که در جدول شماره ۱ خلاصه شده، مورد بررسی قرار گرفته است. اولین مورد مربوط به فرضیه ساختار چند بخشی می‌باشد^۱، از دیدگاه این فرضیه به دنبال اجرای ساختار چند بخشی نتایج بهتری قابل پیش‌بینی می‌باشد. (۱۹۸۷) Hoskinson).

در اکثر تحقیقات صورت گرفته با فرضیه ساختار چند بخشی، عملکرد اقتصادی شرکت‌ها قبل و بعد از پیاده‌سازی ساختار چند بخشی با استفاده از هر دو شاخص عملکرد مبتنی بر سود و مبتنی بر بازار، اندازه‌گیری شده است. نتایج این

اعضای گروه‌های ذیحق در نظر گرفته شده‌اند. (Morley)

۲- امکان گمراهی: صورت ارزش افزوده ممکن است منجر به گمراهی شود، مخصوصاً در مواردی که ثروت (در صورتی که به وسیله ارزش افزوده اندازه‌گیری شود) در حال افزایش باشد در حالی که سود یا دیگر اجزای ارزش افزوده در حال کاهش باشند. (۱۹۹۲) Riahi-Belkaoui)

۳- امکان هدایت اشتباه مدیریت: ارائه صورت ارزش افزوده ممکن است اشتباهاً مدیریت را به ادامه افزایش ارزش افزوده هدایت کند. (۱۹۷۱) Gilchrist)

۴- امکان تفسیر اشتباه: تفسیر سطحی از صورت ارزش افزوده یک شرکت می‌تواند به پنج اشتباه زیر منجر گردد:

الف) افزایش ارزش افزوده ملازمه با افزایش سود دارد.

ب) افزایش ارزش افزوده به ازای هر یک از کارکنان باید به نفع سهامداران باشد.

ج) ممکن است از قبل توزیع عادلانه‌ای از تغییرات ارزش افزوده بین اشخاص ذیربط مورد نظر باشد.

د) ارزش افزوده نسبتاً بالا به ازای هر یک از کارکنان بیانگر عملکرد بهتر اقتصادی است.

ه) ممکن است در حالی که سهم بالایی از ارزش افزوده قابل تخصیص به نیروی کار باشد، نیروی کار استحقاق دستمزد بالا را نداشته باشد. (۱۹۸۱) Rutherford)^(۳)

1- Multidivisional Structure Hypothesis

(Snell). ریاحی بلکویی و پاولیک در تحقیقاتی که در سال ۱۹۹۴ انجام داده‌اند، معتقد هستند که اگر قرار است بین ساختار مالکیت و عملکرد، رابطه‌ای برقرار گردد لازم است بازده کل در نظر گرفته شود و نباید به بازده حسابداری محدود شود.

با مطالعه بر روی یک نمونه از شرکت‌های آمریکایی، این محققان به رابطه‌ای با اهمیت، غیرخطی و غیریکنواختی بین عملکرد مبتنی بر ارزش افزوده و ساختار مالکیت دست یافتند. عملکرد مبتنی بر ارزش افزوده تا رسیدن به یک نقطه عطف نزولی است و پس از آن به تناسب افزایش در معیارهای ساختار مالکیت افزایش می‌یابد.

این موضوع صرف نظر از آنکه ساختار مالکیت با معیارهای سهام مدیریت یا گروه‌های سهامدار یا جمع این دو معیار اندازه‌گیری شود، صدق می‌کند، نتایج به دست آمده با موارد زیر قابل قیاس می‌باشد: (الف) زمانی که سهام مدیران کمتر از ۱۰٪ مالکیت باشد، بین پراکندگی مالکیت و رفتارهایی که ارزش افزوده‌ای به همراه ندارد همبستگی وجود دارد و (ب) در صورتی که سهام مدیران بیشتر از ۱۰٪ مالکیت باشد، بین منافع مدیران و سهامداران در راستای حداکثر کردن ارزش افزوده همگرایی وجود دارد.

مورد سوم به نتایج عملکرد حاصل از اجرای طرح‌های ارزیابی عملکرد شرکت مربوط می‌شود.

تحقیقات متفاوت و مختلط بوده‌اند. تحقیقی توسط ریاحی بلکویی در سال ۱۹۹۷ با اتکا بر معیار بهره‌وری مبتنی بر ارزش افزوده به عنوان یک معیار عملکرد اقتصادی شرکت، قبل و بعد از پیاده سازی ساختار چند بخشی انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده بر روی شرکت‌های ایالات متحده مشخص می‌کنند که کارایی تولیدی شرکت‌هایی که به طور عمودی، مورد ادغام واقع شده‌اند کاهش و کارایی تولیدی شرکت‌های وابسته افقی که دارای زمینه‌های فعالیت متنوع می‌باشند افزایش می‌یابد. افزایش بهره‌وری در گروه شرکت‌های دارای فعالیت‌های متنوع غیر وابسته، با اهمیت نبود. در مجموع به نظر می‌آید، از نظر بهره‌وری، پیاده‌سازی ساختار چندبخشی در مورد گروه شرکت‌هایی که از استراتژی تولید متنوع ولیکن مرتبط به یکدیگر پیروی می‌کند، بسیار سودمند می‌باشد. این استراتژی استفاده از اثر توأمان عوامل مختلف اقتصادی را از طریق استفاده مشترک از نهاده‌ها امکان‌پذیر می‌سازد. فرضیه دوم در مورد آثار ساختار مالکیت^۱ روی عملکرد منعکس در مباحثات مرتبط با اهمیت مالکیت سهام بر کارایی بنگاه و توسعه استراتژیک آن بوده است. بررسی تجربی درباره این فرضیه به دلیل مشکلات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات معنی‌دار مرتبط با عملکرد، منجر به نتایج متفاوتی شده است (Leech ۱۹۸۳ و Cubbin و Hill, ۱۹۸۹).

ارزش بازار مبتنی بوده است. (Rao ۱۹۷۱ و Litzenberger، Harris و Easton ۱۹۷۹، Levy و Barlev، ۱۹۹۵ و Ohlson ۱۹۸۸).

نتایج جدول شماره ۲ این نظریه را تأیید می‌کند که بین ارزش شرکت و مقادیر ارزش افزوده مبتنی بر عملکرد رابطه قوی تری وجود دارد تا بین ارزش شرکت و سود یا ارزش شرکت و معیارهای مبتنی بر اطلاعات گردش وجوه نقد. نتایج مزبور در مورد مدل‌های ارزیابی خطی و مدل‌های ارزیابی غیرخطی مصداق دارد. هنگامی که پرسش تحقیق را مشخصات کارکردی مربوط به سود یا ارزش افزوده خالص نسبت به بازده سرمایه‌گذاری بازار تشکیل می‌داد، مدل‌های مربوط حسابداری و مدل‌های بازده بازار توان تشریحی بالایی تحت شرایط زیر را دارا بودند: (الف) بازده حسابداری براساس تغییرات نسبی در ارزش افزوده خالص بیان شده باشد. (ب) رابطه غیرخطی است، تابع محدب - مقعر می‌باشد. (Belkaoui ۱۹۹۶) (۳).

۲-۳) توانایی پیش‌بینی اطلاعات مبتنی بر ارزش افزوده

توانایی پیش‌بینی اطلاعات ارزش افزوده در سه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است که بر حسب ماهیت پیش‌بینی یا رویداد اقتصادی پیش‌بینی شده با هم فرق دارند (نگاه شود به جدول شماره ۳) اولین تحقیق توسط Karpik و ریاحی بلکویی (۱۹۸۹) از کارهای قبلی پیروی می‌کند که

این مورد از یک سری استدلال‌های تئوریک ناشی می‌شود که براساس آنها طرح‌های بلند مدت عملکرد مبتنی بر اطلاعات حسابداری موجب انگیزش مدیریت در ارتقاء عملکرد شرکت می‌شود. در سال ۱۹۹۴ آقای Askren و همکاران او با ارائه نمونه‌هایی از شرکت‌های آمریکایی نشان دادند که شرکت‌هایی که حسابداری مبتنی بر طرح‌های عملکرد را اتخاذ می‌نمایند به هیچگونه افزایشی در سود حسابداری یا افزایشی در کارآیی مبتنی بر ارزش افزوده در مقایسه با مجموعه‌ای از شرکت‌هایی که نقش گروه کنترل را داشته‌اند، دست نمی‌یابند. اما در سال ۱۹۹۷ تحقیقات ریاحی بلکویی نشان داد که ماهیت رابطه مزبور به تناسب ساختار مالکیت شرکت تغییر می‌کند. با استفاده از همان نمونه شرکت‌ها، نتایج حاصل در مورد شرکت‌هایی که در کنترل مالکیت بود، تأیید شد ولیکن در مورد شرکت‌هایی که در کنترل مدیریت بود، مصداق نداشت (۳).

۲-۲) ارزیابی بازار و ارزش افزوده در مقابل اطلاعات سنتی

محتوای اطلاعاتی اطلاعات ارزش افزوده در مقابل ارزش اطلاعاتی سود سنتی و گردش وجوه نقد در چند تحقیق مورد آزمون قرار گرفته است. (Bao و Riahi-Belkaoui ۱۹۹۳، Bao و Ferkrat ۱۹۹۴، Picur و Riahi-Belkaoui ۱۹۹۴) و (Riahi-Belkaoui ۱۹۹۷). بسیاری از این تحقیقات بر مدل‌های مختلف

(۲) بازده غیرعادی مشاهده شده در شرکت‌های هدف ادغام طی دوره ادغام به گونه پایداری به اختلاف نسبت ارزش افزوده به جمع دارایی‌های آن شرکت‌ها با متوسط صنعت، مربوط می‌شود. نتایج نشان می‌دهند در حالی که عملکرد شرکت‌های تحصیل شده زیر میانگین است، شرکت‌های تحصیل کننده برای دسترسی و احتمالاً قابلیت توزیع مجدد منابع بنگاه‌های جذب شده، ارزش قائل هستند.

تحقیق سوم توسط Bao و Bao در سال ۱۹۹۶ انجام شد که با سایر تحقیقات مربوط به ویژگی اطلاعات حسابداری در ارتباط با سری‌های زمانی در چهار مدل تجزیه و تحلیل سری‌های زمانی و ویژگی‌های مربوط اطلاعات ارزش افزوده مورد بررسی قرار می‌گیرد، این مدلها عبارتند از: مدل معکوس میانگین ساده، مدل گام تصادفی میانگین همراه با روند افزایشی، مدل گام تصادفی و مدل گام تصادفی با ضرائب ناپایدار، با استفاده از نتایج حاصل از شرکت‌های نمونه در ایالات متحده، نشان داده شد ارزش افزوده می‌تواند، به عنوان یک فرآیند گام تصادفی که کمترین خطای آزمون در ماتریس‌های دو خطایی ضریب همبستگی مطلق و آزمون قابلیت پیش‌بینی را در خود دارد، توصیف شود. این نتایج، با نتایج حاصل از سود سالانه و قیمت سهام هماهنگ می‌باشد^(۳).

بر اساس رابطه تئوریک- تجربی بین متغیرهای حسابداری و ریسک بازار پایه‌گذاری شده است (Ismeal, Kim ۱۹۸۹). این تحقیق توانایی بیشتر معیار ارزش افزوده را برای تشریح نوسانات در بتاهای بازار بیش از آنچه که به وسیله معیارهای ریسک مبتنی بر سود و یا مبتنی بر گردش وجوه نقد فراهم می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج به دست آمده از نمونه انتخاب شده در شرکت‌های ایالات متحده، توانایی تشریحی برتر متغیرهای ارزش افزوده در تشریح نوسانات بتاهای بازار را نشان می‌دهد.

دومین تحقیق توسط Bannister و ریاحی بلکویی (۱۹۹۱) به دنبال تلاش‌های تجربی قبلی جهت بررسی ویژگی‌های مختلف شرکت‌های هدف ادغام نسبت به سایر شرکت‌ها را در برمی‌گیرد (۱۹۸۷ و ۱۹۷۶ Belkaoui) بررسی جایگزین در زمینه ارزش افزوده متکی است به:

(الف) ارزیابی تفاوت ویژگی‌های شرکت‌های هدف ادغام که با صنایع آنها مقایسه شده‌اند.
(ب) تشریح بازده غیرعادی شرکت هدف ادغام در طول دوره ادغام.

نتایج نشان می‌دهد که: (۱) در صنعت مربوط شرکت‌های هدف ادغام نسبت به سایر شرکت‌های همان صنعت، نسبت‌های ارزش افزوده پایینی در سال قبل از کامل شدن ادغام دارند.

جدول شماره ۱: ارزش افزوده عملکرد شرکت‌ها

تحقیق	موضوع تحقیق	نتایج
۱- ریاحی بلکویی (۱۹۹۷)	ساختار چند بخشی و استراتژی متنوع سازی سرمایه‌گذاری	براساس اجرای ساختار چند بخشی، کارایی تولیدی شرکت‌های هدف ادغام در ادغام عمودی کاهش و کارایی تولیدی شرکت‌های وابسته افقی افزایش می‌یابد، افزایش نسبی مشاهده شده در بهره‌وری شرکت‌های غیر وابسته بی‌اهمیت می‌باشد.
۲- ریاحی بلکویی و Pavlik (۱۹۹۴)	اثرات ساختار مالکیت	رابطه‌ای غیر یکنواخت اما با اهمیت بین ارزش افزوده حاصل از عملکرد و ساختار مالکیت وجود دارد
۳- Askren و همکاران (۱۹۹۴)	اجرای طرح‌های عملکرد	شرکت‌هایی که طرح‌های عملکرد را بر می‌گزینند به هیچ‌گونه افزایشی در سود حسابداری یا افزایشی در بهره‌وری نسبت به شرکت‌هایی که نقش گروه کنترل را داشته‌اند دست نیافته‌اند.
۴- ریاحی بلکویی (۱۹۹۷)	اجرای طرح‌های عملکرد و ساختار مالکیت	به دنبال اجرای طرح‌های عملکرد، سودآوری شرکت‌هایی که در کنترل مالکیت بوده‌اند افزایش می‌یابد و در مورد شرکت‌هایی که در کنترل مدیریت بودند افزایش نمی‌یابد.

جدول شماره ۲: ارزیابی بازار و ارزش افزوده در مقابل اطلاعات سنتی

تحقیق	سؤال تحقیق	مدل مورد استفاده	نتایج
۱- Bao و Bao (۱۹۸۹)	رابطه بین بهره‌وری و ارزش شرکت	مدل ارزیابی Rao و Litzengerger	رابطه بین ارزش شرکت و بهره‌وری در صنایع پالایش نفت و صنایع نساجی نسبت به رابطه بین ارزش شرکت و سود در همان صنایع قوی‌تر است.
۲- ریاحی بلکویی (۱۹۹۳)	محتوای نسبی و اضافی ارزش افزوده، سود و گردش وجوه نقد	مدل ارزیابی سود	اطلاعات ارزش افزوده می‌تواند توان تشریحی دیگری نسبت به آنچه را که توسط سود یا معیار گردش وجوه نقد فراهم می‌شود، عرضه نماید.
۳- ریاحی بلکویی و علی فکرت (۱۹۹۴)	مزایای شاخص‌های استخراجی از ارقام حسابداری	شاخص ارقام حسابداری (Levy, ۱۹۷۹) (Barley)	ارزش افزوده خالص مبتنی بر ارقام عملکرد تغییرپذیری اندک و ثبات بالایی نسبت به سود و یا جریان‌ات وجوه نقد که مبتنی بر همان ارقام هستند دارند.
۴- ریاحی بلکویی و Picur (۱۹۹۴)	محتوای اطلاعات اضافی و مربوط در مورد ارزش افزوده و سود	مدل ارزیابی ترکیبی سود و ارزش افزوده	نتایج تحقیق وجود رابطه‌ای بین تغییرات نسبی در سود و ارزش افزوده و تغییرات نسبی در قیمت اوراق بهادار را مورد تأیید قرار می‌دهد.
۵- ریاحی بلکویی و Picur (۱۹۹۴)	محتوای اطلاعاتی سطح تغییرات متقابل در ارزش افزوده خالص	مدل‌های ثروت و ارزش دفتری	هم سطوح ارزش افزوده خالص و هم تغییرات در ارزش افزوده خالص در ارزیابی اوراق بهادار نقش دارند.
۶- ریاحی بلکویی (۱۹۹۶)	تعیین تابع مربوط به سود غیر منتظره یا ارزش افزوده خالص نسبت به بازده تعدیل شده بازار	مدل‌های ارزیابی خطی و غیرخطی	مدل‌های مربوط حسابداری و بازده بازار توان تشریحی بالایی دارند وقتی که: (الف) بازده حسابداری براساس تغییرات نسبی در ارزش افزوده خالص بیان شده باشد، و (ب) رابطه غیرخطی و تابع محدب و مقعر است.
۷- ریاحی بلکویی (۱۹۹۷)	محتوای اطلاعاتی اجزای ارزش افزوده خالص که همزمان با سود افشا می‌شوند	مدل ارزیابی سود	بخش سود ارزش افزوده با نظر مساعد، براساس بازار نگرینسته می‌شود در حالی که اجزای غیرسود ارزش افزوده (بهره، مالیات و دستمزد) به‌طور معکوس به بازده بازار مربوط می‌شوند.

جدول شماره ۳: توانایی پیش‌بینی اطلاعات ارزش افزوده

تحقیق	نوع پیش‌بینی	مدل استفاده شده	نتایج
۱- Karpik و بلکویی (۱۹۸۹)	تشریح ریسک بازار	مدل بازار	متغیرهای ارزش افزوده، اطلاعات افزونتری را نسبت به سود تعهدی و جریان‌ات وجوه نقد در مورد تشریح ریسک بازار ارائه می‌دهند
۲- Bannister و بلکویی (۱۹۹۱)	تشریح بازده غیرعادی شرکت‌های هدف ادغام در طول دوره ادغام	مدل بازار	ارزش افزوده، در شرکت‌های هدف ادغام در سال قبل از کامل شدن ادغام، پایین‌تر از ارزش افزوده شرکت‌های دیگر در همان صنعت است و بازده غیرعادی مشاهده شده در طول دوره ادغام ناشی از مغایرت بین ارزش افزوده شرکت‌های هدف ادغام و متوسط صنعت می‌باشد.
۳- Bao و Bao (۱۹۹۶)	آزمایش ساختار و دقت پیش‌بینی معیار ارزش افزوده شرکت	چهار مدل سری‌های زمانی	چهار معیار ارزش افزوده متفاوت از هم وجود دارد. مدل گام تصادفی از نظر خطای آزمون در ماتریس‌های دو خطایی ضریب همبستگی مطلق و آزمون قابلیت پیش‌بینی، خطای پیش‌بینی کمتری دارد.

منابع و مآخذ

- ۱- رضایی میرقائد - محسن، تئوری ارزش و قیمت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۲- شاهین شعله و رضایی مستانه، بررسی دیدگاه‌های تئوریک حقوق صاحبان، مجله حسابداری، شماره ۱۱۴، تیرماه ۱۳۷۵.
- 3- Evraert Serge and Riahi - Belkaoui Ahmed, Usefulness of value added reporting: A review and synthesis of the literature, *Managerial Finance*, 1998, Vol 24 Issue 11.
- 4- Haller Axel, Value Added Statement -time for a renaissance, Paper presented at the eighth congress of accounting educators in Paris, 23rd-25th of October 1997.
- 5- Jones Mike, A Stakeholder Society: Measuring the Value, *Accountancy* December 1996, P.65.
- 6- Stainbank Lesly, Value Added Reporting in South Africa: Current Disclosure Pattern, *SA Journal of Accounting Research*, No 2, 1997.